

شناسنامه و موقعیت قانونی آن

سابقه تاریخی :

شناسنامه یکی از ادعاعات و مظاهر حقوقی اروپائی است که بتدریج با پیشرفت تمدن آن سرزمین به کشورهای دیگر نفوذ یافته ولی بشحقیق معلوم نیست که برای اولین مرتبه در کدامیک از کشورهای اروپائی مورد توجه و استفاده واقع شده است و شاید برای اولین مرتبه در کشور فرانسه از آن بصورت بسیار ابتدائی استفاده رسمی شده . در حقوق روم و فقه اسلامی از آن ذکری بمیان نیامده اما برای شناسائی نفرات ارتش متفقین در جنگ اول بین المللی کارتهای شناسائی برای قسمتی از نفرات ارتش باعلامات رمز مخصوصی بکار رفته است که میتوان نمونه کوچکی از آن بشمار آورد. در حال حاضر کمتر کشوری هست که شناسنامه که وسیله شناسائی هویت فردی است مورد استفاده قانونی واقع نشود. در کشور ما با وجود ضرورتی که احساس میشود، مطالعات لازمی درباره آن صورت نگرفته است . و در تألیفاتی که برای حقوق مدنی شده و تا کنون منتشر گردیده ، بطور قابل توجه بحث درباره شناسنامه بعمل نیامده و فقط برئوس مطالب کلی و بسیار عمومی آن بطور اجمال اشارت رفته است ، و بعید نیست که در سالهای پایان تحصیلی فارغ التحصیلان رشته قضائی دانشکده حقوق تهران بحث های نسبتا قابل توجهی در این آباره شده باشد. و اخیرا که دانشنامه حقوقی تالیف آقای دکتر جمفری لنگرودی منتشر شده فصلی از این کتاب مفید باین موضوع اختصاص یافته . مع الوصف توضیحاتی که در این مجموعه به نظر میرسد منظوری را که ملازمه با شناسائی این موضوع دارد تأمین نمی نماید و بالنتیجه موقعیت و کمیت و کیفیت این سند که مبتلا به عمومی میباشد و آشنائی بوضع موجود آن ضرورت دارد، فراموش شده است.

تا سال ۱۳۹۲ شمسی در کشور ما سابقه ای از شناسنامه دیده نمیشود و در این وقت است که

برای اولین مرتبه به تقلید از حقوق جدید بموجب يك فقره تصویب نامه ای که از هیئت وزیران میگذرد بلدیة تهران در مرکز و حکام و ولات در ولایات مامور توزیع شناسنامه تحت شرایط بخصوصی میشوند و در اجرای همین تصویب نامه یادستور العمل بوده که شهرداری تهران باین امر شروع نموده است و بر حسب تحقیق که بعمل آمده اولین شناسنامه در ایران بنام مرحوم دکتر ولی اله خان - نصر رئیس مدرسه حقوق سیاسی بشماره يك صادر گردید و این امر تا سال ۱۳۰۴ بصورت بسیار ناقص مورد عمل بوده که در چهاردهم خرداد ۱۳۰۴ ضمن لایحه بسیار فشرده ای بصورت قانونی و لازم الاجرا در تمامی کشور در آمده و بموجب این قانون وزارت کشور با تاسیس اداره جدیدی بعنوان سجل احوال در داخله کشور و اقدام در این مورد بوسیله نمایندگان کنسولی ایران در خارج از کشور این وظیفه را برای افراد ایرانی بعهده گرفت و از آن تاریخ با تعمیم و اجرای این قانون مندرجا برای افراد ایرانی در هر موقعیتی امر اجتناب ناپذیر و الزامی شد زیرا اقدام به هر عمل اداری و حتی اجتماعی ملازمه با ارائه و استفاده از شناسنامه داشت .

انواع شناسنامه و تحولات اسامی آن :

شناسنامه در بدو امر مطابق تصویب نامه ای که از آن یاد کردیم بنام (سجل) عنوان شد تا جائی که فعلا در بین طبقه خاصی باین عنوان شناخته میشود و بعد از اولین قانون مصوب و تحولات بعدی آن بنام (ورقه هویت) شناخته شد و در سال ۱۳۱۶ این کلمه از طرف فرهنگستان ویا هیئتی که مامور تبدیل لغات عربی مستعمل در زبان فارسی بودند به لفظ (شناسنامه) برگردانیده شد که حقا کلمه بسیار متناسب و بجا میباشد و در سیر تحولات قانون ثبت احوال بخصوص در قانون ۱۳۱۹ قانوناً و رسماً بنام (شناسنامه) تسجیل گردید .

اطلاعی که بدست آمده و امکان تجدید نظر و تحقیق را دارد اینست که شناسنامه تا کنون فریب به بیست نوع مختلف از نظر شکل و قطع و مندرجات آن مورد استفاده و عمل قانونی ثبت احوال و مامورین وزارت امور خارجه در خارج از کشور واقع گشته که توضیح درباره خصوصیات آنها از حوصله این مقال خارج است و اجمالاً دو نمونه اولی و دومی بصورت يك برگ و بقیه آن بصورت دفترچه های متفاوتی از لحاظ تعداد برگ و قطع بوده است که فعلا نیز با گذشت نیم قرن در دست صاحبان آن باقی است .

شناسنامه چیست ؟

هیچیک از قواعد قانون و مقررات آئین نامه شناسنامه را تعریف نکرده که بچه نوع نوشته

اطلاق می‌شود و از این لحاظ تعریف شناسنامه مسکوت است فقط به تحصیل الزامی آن در مورد افرادی که تابعیت ایرانی دارا هستند اکتفا نموده و در آئین نامه‌های ثبت احوال هر موقع که تجدید نظر شده با ضمیمه نمودن نمونه آن این سکوت قانونی را روشن نموده و از مجموع قواعد و نمونه‌ای که در آخرین آئین نامه است میتوان شناسنامه را باین صورت تعریف نمود (شناسنامه مستخرجه از نخستین سند سجلی است که مطابق نمونه‌ای که در آئین نامه ثبت احوال میباشد از طرف مأمور صلاحیت‌داری با توجه به ترتیبات مخصوصی تنظیم و برای هر فرد ایرانی یا نماینده قانونی او تسلیم می‌شود و تمامی مذرات آن سند رسمی و معتبر میباشد) از این تعریف که ممکن است خالی از نقص هم نباشد، میتوان به نتایج حقوقی و قانونی ذیل توجه کرد:

شناسنامه مستخرجه از نخستین اسناد سجلی میباشد. لذا باید چنین نتیجه گرفت که شناسنامه‌ای که فاقد سند سجلی میباشد نمیتواند از نظر اعتبار دارای خاصیت و صفت قانونی به معنای واقعی آن باشد، و در این حالت چنین شناسنامه دو حالت متضاد را متضمن است:

۱ - صدور چنین شناسنامه‌ای از روی اشتباه بوده و یا در اثر عواملی از قبیل سیل و حریق و سرقت سند آن از بین رفته است.

۲ - تنظیم شناسنامه از روی تعمد و برای فرار از تنظیم اسناد سجلی و جهت تسهیل غیر قانونی و یا گمراه کردن مسئولین امر صورت گرفته.

در حالت اول چون سوء نیتی در کار نبوده و عمل مبنی بر وقوع اشتباه یا اختلاف است و یا مستندات آن از بین رفته و در مقابل عمل قهری و اضطراری هستیم بالطبع نمیتوان کسی را که عملش ناشی از اختلاف و اشتباه است مقصر از نظر قانون جزا بشمار آورد و یا برای یک عمل اضطراری که آن عمل از حیطة توانائی فرد یا افرادی خارج بوده مسئول شمرد. لذا با توجه به ماده ۲۲ آئین نامه ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ تحت شرایط و قواعدی با استناد شناسنامه مزبور (نخستین سند سجلی) تنظیم و شناسنامه فاقد سند، اعتبار قانونی و رسمی خود را باز می‌یابد.

در حالت دوم چنین شناسنامه‌ای از لحاظ صدور و تسلیم مبنی بر سوء نیت تنظیم کننده در واقع جعل از نظر قانون جزا بشمار میرود، و استفاده از این وضع مخصوصاً اختصاص به مواقع تدلیس و تبانی و جعل آن میباشد. و یکی از مواردی که بسیار مورد استفاده جاعلین شناسنامه شده همین مورد بخصوص است.

شناسنامه منحصرأ در روی نمونه قانونی است:

نمونه قانونی شناسنامه ماخوذ از اندازه و شکل و چاپ منضمه به آئین نامه ثبت احوال است و نمونه‌هایی که در آئین نامه‌های سابق بوده بطور عموم آنچه تا انتشار نمونه حاضر مورد عمل واقع نشده و احیاناً موجود باشد از درجه اعتبار قانونی ساقط هستند. این قبیل شناسنامه‌ها را

نمی‌توان مورد استفاده قانونی قرارداد و فرض اینکه کسانی باشند که شناسنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند چندان هم دور از احتیاط نیست چنانکه در زمان توزیع کوپونهای قند و شکر و خواروبار در زمان جنگ سوءاستفاده از این قبیل شناسنامه‌ها به شیوع پیوست و جرایم و مطبوعات نیز مطالبی در این خصوص عنوان نمودند. بنابراین شناسنامه باید منحصرأ روی نمونه باشد که دارای اعتبار قانونی و رسمی است.

صدور شناسنامه :

صدور شناسنامه قانوناً بعهده داور مرجع مختلف است :

الف -- در مواردی که فردی برای اولین مرتبه دارای شناسنامه می‌شود (در داخله کشور نمایندگان ثبت احوال) و (در خارج از کشور مامورین کنسولی) صادر می‌کنند.

ب -- در مواقع فقدان یا قابل تمویض بودن شناسنامه (مدیر بایگانی اسناد سجلی محل صدور شناسنامه) در داخله کشور و (مامور کنسولی که امور بایگانی اسناد سجلی را در خارج بعهده دارد) و هکذا (مدیر بایگانی اسناد سجلی ثبت احوال امور خارجه در تهران) -- برای شناسنامه‌ایکه از مامورین خارج از کشور صادر شده است.

بنابراین تسلیم و صدور شناسنامه منحصرأ در صلاحیت پنج نفر مامور سجلی از نظر قانونی قرار گرفته و سایر مامورین تحت هیچ گونه عنوانی حق تنظیم شناسنامه ندارند.

ترتیبات قانونی :

بر حسب مقررات قانون ثبت احوال هر کسی نمی‌تواند برای تقاضا و دریافت شناسنامه خود و دیگران بدون قید و شرطی اقدام کند و یا بعبارت دیگر آنرا دریافت نماید بلکه اقدام باین امر مانند سایر امور حقوقی و اعمال آن تابع قواعدی است و اجمالاً به مراد زیر باید توجه شود :

الف -- کسی که سنش ۱۸ سال تمام یا بیشتر است اعم از ذکور و اناث شخصاً می‌تواند هر گونه اقدام لازم را برای تقاضا و تحصیل شناسنامه (بدایتاً) و یا تحصیل آن در مواقع فقدان و یا تمویض بعمل آورد که در این موقع شناسنامه بنام (المثنی) نامیده شده.

ب -- پدر، جد پدری، مادر، قیم، وصی، مامورین انتظامی در مورد افراد سرراهی، رئیس یا نماینده موسسات خیریه در مورد افرادیکه سن آنان بحد بلوغ قانونی نرسیده است، و وکیل که وکالت او برای دریافت شناسنامه مسلم باشد.

افراد ایرانی :

شناسنامه مطابق ماده ۳۲ قانون ثبت احوال مخصوص اتباع ایران است . افرادی که تابعیت ایرانی، آنان مشکوک و کسانی که دارای تابعیت خارجی هستند نه چنین حقی را دارند و نه مامورین ثبت احوال میتوانند با آنان شناسنامه صادر و تسلیم نمایند . و اگر فردی از افراد خارجی مطابق قانون به تابعیت ایرانی درآید چنین فردی نیز مانند سایر افراد ایرانی میتواند تخصیص شناسنامه نماید و همگذا کسی که از تابعیت ایرانی خارج میشوند شناسنامه آنان اخذ و اسناد سجلی آنان با استنادسند ترك تابعیت ابطال میشود و همگذا اگر اشتباهها برای یک نفر تبعه خارجی سند سجلی تنظیم و شناسنامه صادر شود باید از طریق دادگاه شهرستان محل صدور شناسنامه بر حسب تقاضای ثبت احوال یا دادستان ابطال شود .

شناسنامه سند رسمی است :

اعتبار رسمی بودن شناسنامه و سندیت آن مستند بماده ۱۲۸۷ قانون مدنی و ماده ۴۷ قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ میباشد . و هر نوع مداخله در آن چه از طرف مامور صادر کننده و چه از ناحیه افراد دیگر ممنوع میباشد و اگر اقدامی بعمل آید عنوان جعل یا الحاق متقلبانه را خواهد داشت . ضرورت دارد که توضیح دهم بعد از صدور شناسنامه دو مرجع قانونی میتوانند برای شناسنامه مندرجاتی اضافه نمایند باین شرح :

الف - (نماینده ثبت احوال) و (مامور کنسولی) که وظیفه ثبت ولادت فرزند صاحب شناسنامه را در (داخل و خارج کشور منحصر) به عهده دارند که مشخصات صاحب شناسنامه را در صفحه مشخصات اولاد صاحب شناسنامه ثبت و مهر و امضا میکنند .

ب - همان نماینده و مامور کنسولی مندرج در بند الف که وظیفه ثبت فوت صاحب شناسنامه را در مواقع درگذشت دارنده شناسنامه به عهده دارند که تاریخ فوت و محل وقوع آن و شماره ثبت دفتر متوفیات را در صفحه آخر شناسنامه متوفی ثبت و مهر و امضا میکنند .

ج - (سر دفتران ازدواج و طلاق رسمی و مامورین کنسولی) به ترتیب در (داخل و خارج کشور) که قانونا در حین اجرای عقد و ثبت آن ثبت ازدواج و طلاق را مکلفند که میتوانند مراتب ازدواج و طلاق را در شناسنامه های زوجین (فقط برای یک مرتبه) ثبت نمایند . و غیر از مراجع مزبور هیچکس حق آنرا ندارد که در شناسنامه ای که صادر شده مطلبی افزوده و بآن دخل و تصرفی نمایند . و چنانچه اقدامی و عملی صورت بگیرد نه تنها دارای اعتبار قانونی نیست بلکه متهم به

جمل و نزویر از نظر قانون جزا خواهد بود .

تغییر مطالب شناسنامه :

تغییر مندرجات قانونی شناسنامه تابع قواعد و ترتیباتی میباشد که در این بحث مورد نظر نیست . سابقاً در شماره ۷۴ این مجله مشروحاً از آن تحت عنوان (نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی) بحث شده و بطور خلاصه محدود به صلاحیت قانونی دو مرجع قضائی و اداری است .



تحصیل حاصل

تحصیل حاصل اصطلاح حقوقی است و درجائی بکار میرود که با وجود ثبوت موضوع و محقق بودن امر در مقام اثبات بر آیند و یا چیزی که بدست آمده برای بدست آوردن آن تلاش کنند که امر ممنوع است و در تقارن گویند تحصیل حاصل مانند ابطال باطل محال است .
شیخ محمود شبستری در گلشن راز چنین گفته :

بود در ذات حق اندیشه باطل محال محض دان تحصیل حاصل

و شاعری بنام « الهی » بالطافت خاصی این اصطلاح را در شعر آورده :

گفتن دعای زلف تو تحصیل حاصل است با خسر کس نگفت که عمرت دراز باد

و ابراهیم لاری هم با ظرافت شاعرانه ای آن را در قالب شعر کشیده :

ما پی دیدار یار و یار در دل بوده است حاصل تحصیل ما تحصیل حاصل بوده است